

نظام اعتبارات خرد راهکار عملی توانمندسازی مردم محلی
در مدیریت مشارکتی منابع طبیعی
فرزانه مافی^۱

چکیده

تحول وضعیت اقتصادی در اثر بهبود بنیادهای اقتصادی - اجتماعی توسعه نامیده می‌شود. هدف نهایی توسعه، ارتقای میزان برخورداری مردم جامعه از مواهب زندگی است و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر و برخورداری آنان از زندگی سالم و با کیفیت از پیش‌شرط‌های تحقق توسعه پایدار است.

پیامدهای نامطلوب نابرابری درآمد و فقر چنان متنوع، گسترده، تأثیرگذار و دربرگیرنده غالب بخش‌های ساختار عملکردی جامعه است که در حالت حاد و بحرانی، اساس نظام جامعه و دستگاه‌های حکومتی - اجرایی را مورد هجوم قرار می‌دهد.

دور بودن نواحی خشک و نیمه‌خشک از مرکز و استفاده بی‌رویه مردم از منابع طبیعی و مراتع سبب افزایش فقر فیزیکی و فقر مادی می‌گردد و اشتغالزایی و ایجاد درآمد از طریق اجرای طرح‌های تحقیق عملی - مشارکتی ضمن توانمندسازی و ارتقاء آگاهی مردم محلی در حفظ محیط زیست و جلوگیری از استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و پایداری آنها مؤثر خواهد بود.

نظام اعتبارات خرد به عنوان ابزاری مؤثر در مبارزه با فقر و گرسنگی، توانایی تغییر و بهبود زندگی مردم به ویژه مردم نیازمند مناطق توسعه نیافته و دورافتاده در مدیریت منابع طبیعی را دارا می‌باشد.

واژه های کلیدی: اعتبارات خرد، توانمندسازی، کاهش فقر، مدیریت منابع طبیعی

^۱- کارشناس ارشد مدیریت؛ دبیر گروه شاخص‌سازی و آینده پژوهی معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک و عضو کمیته ساماندهی اعتبارات خرد ایران

مقدمه

هدف نهایی توسعه تحول در وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه و ارتقاء میزان برخورداری همه مردم از مواهب زندگی است.

بحران محیط زیست در قرن اخیر که حاصل نادیده گرفتن روابط بین اجزای طبیعت و توسعه لجام‌گسیخته بشر به بستر حیات طبیعی است سبب گردید که تأثیرات خطرناکی را بر عرصه امنیت بین‌المللی بجا می‌گذارد و انسانها برای حل این معضل به اجلاس‌های جهانی متوسل شوند بطوریکه در دهه ۹۰ سازمان ملل متحد، کنفرانس‌های متعددی با موضوع توسعه با حضور کشورهای عضو برگزار نمود که حاصل آن صدور توافقنامه‌ها و قطعنامه‌هایی با دیدگاه مشترک از توسعه گردید.

در اجلاس ریو که در سال ۱۹۹۲ با موضوع توسعه پایدار در برزیل برگزار شد برنامه کار ۲۱، منشوری را برای آینده تعریف نموده و تأکید می‌نماید توسعه باید به نحوی اعمال شود که به طور مساوی نیازهای نسل کنونی و نسل‌های آینده را برآورده سازد در اصل پنجم این منشور کلیه دولت‌ها و مردم در رابطه با وظیفه اساسی ریشه‌کن کردن فقر به عنوان شرط اساسی توسعه پایدار، جهت کاهش تفاوت در سطح زندگی و رفع نیازهای اکثریت مردم موظف گردیده‌اند. (۱)

در اجلاس جهانی ژوهانسبورگ ضمن نگاه اقتصادی به اجلاس ریو (RIO) راهکارهای جهانی برای برطرف کردن مشکلات زیست‌محیطی جهانی ارائه گردید این اجلاس با تکیه بر محیط زیست و موضوعات توسعه طرحی را برای فعالیت‌های بین‌المللی و سیاستهای توسعه برای ورود به قرن آینده را طراحی نمود و مفهوم توسعه پایدار را به عنوان یک هدف کاربردی برای همه جهان در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی اعلام کرد. (۲)

واقعیت این است که حفظ محیط زیست و توسعه پایدار نیازمند جامع‌نگری و نگاه سیستمی است و در این نگاه سیستمی دو عنصر انسان و طبیعت از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

زیرا در نواحی کوهپایه‌ای و سرزمینهای نیمه‌خشک و کم‌باران میلیون‌ها نفر از زنان و مردان روستایی مورد تهدید قرار دارند زیرا رفاه و معیشت زندگی آنها به منابع طبیعی وابسته است. این مردم بدلیل دوری از مرکز و شهرهای بزرگ به اکولوژی و بوم‌شناسی منطقه خود که دارای تنوع زیستی موجودات زنده، طبیعت بکر و منابع طبیعی باارزش است هجوم آورده و طبیعت این مناطق را خالی از موجودات زنده بدون تنوع زیستی و بدون ناظر بر بقایای منابع

طبیعی مواجه ساخته‌اند.

مردم این مناطق با دو چالش عمده روبرو هستند:

۱ - بعلت دوری از مرکز هنوز به رشد و توسعه برای کاهش فقر دست نیافته‌اند.

۲ - تخریب دائمی سیلاب‌ها، استفاده بی‌رویه از مراتع و رشد فقر در نواحی بحرانی سبب گسترش تخریب و تنزل رتبه محیطی آنها بطور وسیع گشته است.

این دو موضوع مشکلات عدیده‌ای را برای دولت‌ها بوجود آورده است بطوریکه در سپتامبر ۲۰۰۰ کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد به اتفاق آراء اهداف توسعه هزاره سوم را تصویب نمودند که ریشه‌کنی فقر در رأس آن قرار داشت. بر اساس گزارشات این اجلاس کشورهایایی که برنامه اعتبارات خرد را جهت ریشه‌کنی فقر اجرای کرده بودند توانسته بودند موفقیت روزافزونی در کاهش فقر و حفظ محیط زیست داشته باشند آنها برای مدیریت منابع طبیعی در اینگونه مناطق نوآوری و ابتکار عمل بوجود آورده‌اند.(۳)

کشور ما نیز بدلیل شرایط اقلیمی سالهاست که با این چالش روبرو بوده ولی امروزه نوآوری جدیدی برای انجام تحقیق عملیاتی - مشارکتی جهت کاهش فقر و استفاده مناسب از منابع طبیعی در نواحی بحرانی و حاشیه‌ای کشور شکل گرفته است.

نگارنده به همراه تیم تحقیق در سال ۱۳۷۸ در کوهپایه‌های زاگرس در ارتفاعات میانکوه استان چهارمحال و بختیاری تحقیق عملی - مشارکتی با تکیه بر اعتبارات خرد و اشتغالزایی در منطقه اجرا نموده و نتایج موفق نیز بدست آمد این تجارب بومی شده به سایر استانهای کشور نیز توسعه یافت و در حال حاضر نیز در دست انجام است.(جدول شماره ۱)(۴)

طی دهه‌های اخیر برنامه‌های اعتبارات خرد از رهیافت مهم فقرزدایی و توسعه پایدار در جهان بوده است بطوریکه از آن بنام «انقلاب اعتبارات خرد» یاد می‌کنند برنامه اعتبارات خرد با ایجاد گسترش فعالیت‌های درآمدزا به ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر، تعدی آنها به منابع طبیعی را کاهش و توسعه جوامع محلی را تسهیل می‌کند.(۵)

اعتبارات خرد به عنوان رویکردی در مقابل رویکرد یارانه‌ای مطرح بوده و دولت‌ها بطور سنتی از اعتبارات یارانه‌ای برای بهبود درآمد و کاهش فقر در نواحی محروم استفاده کرده‌اند؛ اما دخالت‌های مستقیم در بازار مالی توسط اختصاص یارانه برای ایجاد رشد و کاهش فقر که در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ متداول شده بود اکثراً شکست خورده است.(۶)

ولی اعتبارات خرد یک نظام اجرایی دوسویه بین دولت و مردم محلی و تعامل آنها با یکدیگر است در این نظام نقش تصدی‌گری دولت کاهش یافته و به مردم توانمند واگذار

می‌شود و نقش سیاستگذاری و نظارتی دولت تقویت می‌گردد.

جدول ۱ - اطلاعات صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی تا سال ۱۳۸۵

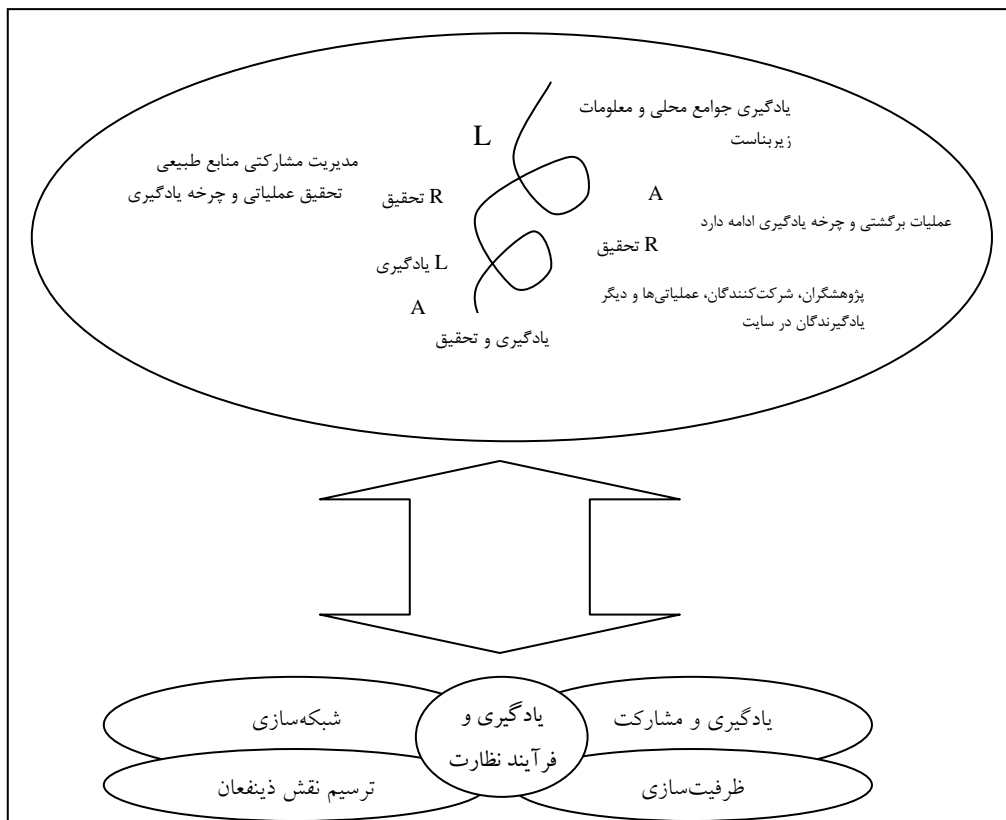
ردیف	نام استان	تعداد صندوق‌ها	تعداد اعضا	زمینه‌های اشتغال ایجاد شده
۱	آذربایجان شرقی	۲	۷۲	کشاورزی - سبزیکاری - صیفی جات - نهال کاری
۲	آذربایجان غربی	۱۰	۳۴۱	دامداری (پرورش گاو و گوسفند و بز) - بسته‌بندی حبوبات - کشاورزی - نهال کاری - باغداری
۳	اردبیل	۱	۳۳	زنیورداری - کشاورزی - مرغداری
۴	اصفهان	۲	۵۰	پرورش قارچ - تهیه - گلخانه - پرورش مرغ بومی
۵	بوشهر	۱۲	۳۲۴	دامداری - بسته‌بندی خرما - کشاورزی - باغداری
۶	تهران	۵	۱۵۶	دامداری - باغداری - پرورش طیور - بسته‌بندی خشکبار پرورش قارچ
۷	چهارمحال و بختیاری	۵	۱۳۳	دامداری - مرغداری - محصولات گلخانه‌ای فرآورده‌های لبنی و کشاورزی
۸	خراسان رضوی	۱۰	۲۷۰	کشت زعفران - دامداری - مرغداری - پرورش قارچ - کارهای خدماتی - کاشت نهال
۹	خراسان جنوبی	۱۲	۳۰۰	دامداری - فرآورده‌های مواد لبنی - بسته‌بندی خشکبار کشت زعفران - تهیه عرقیات
۱۰	خوزستان	۶	۲۹۹	دامداری - مرغداری - خیاطی - فروش البسته بسته‌بندی محصولات کشاورزی
۱۱	سمنان	۲	۴۰	خیاطی - مرغداری - بسته‌بندی خشکبار - کارهای خدماتی
۱۲	سیستان و بلوچستان	۴	۱۱۴	سوزن‌دوزی - دامداری - کاشت صیفی - تهیه عرقیات سنتی - فرآوری محصولات کشاورزی
۱۳	فارس	۵۳	۱۱۱۱	بسته‌بندی محصولات کشاورزی و باغی - خیاطی - قالی‌بافی - سبزیکاری - نهال کاری
۱۴	قزوین	۱	۳۲	مرغداری - دامداری - بسته‌بندی محصولات کشاورزی
۱۵	کرمانشاه	۲۳	۶۹۰	دامداری - مرغداری - نهال کاری - کشاورزی
۱۶	کرمان	۱۴	۴۰۶	پته‌دوزی - صنایع دستی - بسته‌بندی خرما - دامداری
۱۷	گلستان	۵	۱۴۰	کشاورزی - صنایع دستی - پرورش دام و طیور
۱۸	مازندران	۱۰	۳۵۰	دامداری - پرورش قارچ - کشاورزی - باغداری (مرکبات) فرآورده‌های لبنی - محصولات گلخانه‌ای
۱۹	مرکزی	۳	۹۰	پرورش مرغ بومی - طیور - کشاورزی - خیاطی کارهای خدماتی
۲۰	همدان	۶	۲۴۱	دامداری - مرغداری - سفالکاری - نقاشی روی سفال پرورش قارچ
۲۱	هرمزگان	۱۷	۵۱۰	کشاورزی - دامداری - سبزیکاری - کارهای خدماتی آبی‌پروری
۲۲	چیرفت	۲	۴۰	کشاورزی - فرآوری محصولات کشاورزی - بسته‌بندی خرما - دامداری
	جمع کل	۲۰۵	۵۷۴۲	—

منبع: گزارش دفتر امور زنان روستایی وزارت جهاد کشاورزی

روش پژوهش

روش تحقیق عملیاتی - مشارکتی وسیله‌ای فراهم می‌کند تا پژوهشگران برای درگیر کردن جامعه محلی در فرآیند یادگیری درباره مشکلات و موانع مدیریت منابع طبیعی و راه‌حل آنها اقدام نمایند.

در این روش تسهیل کردن در امور، شناسایی منابع و بررسی مشکلات، تأکید بر مداخلات مؤثرتر، سبب ایجاد آگاهی و اطمینان در رهبران محلی و حساس شدن جوامع محلی و دیگر دست‌اندرکاران در برنامه‌ریزی محلی برای حوزه مدیریت منابع طبیعی می‌شود. تحقیق عملی مشارکتی برای تیم تحقیق، حکومت محلی و دیگر ذینفعان برای بهبود و اصلاح موقعیت آنها مناسب است. این کلید رسیدن به درک مشترک از یک فرآیند جدید در نقش‌ها و اعمال برای مدیریت منابع طبیعی است. تحقیق عملی - مشارکتی یک روند یادگیری و تصمیم‌سازی مستمر و پویا در یک سیکل تحقیق، یادگیری و عمل جمعی دنبال می‌شود (نمودار شماره ۱)



نمودار ۱ - دیاگرام تحقیق عملی - مشارکتی جوامع محلی و چرخه یادگیری

- معرفی نظام اعتبارات خرد^۲

رشد روزافزون فقر و عدم دسترسی به منابع با گسترش و تخریب منابع طبیعی در نواحی بحرانی گسترده‌تر و مشکلات عدیده‌ای را برای مردم این مناطق بوجود آمد تا اینکه به مرور زمان فرآیند جدیدی بنام اعتبارات خرد برای انجام تحقیقات کاربردی روی کاهش فقر و درآمدزایی در نواحی حاشیه‌ای و روستایی مهیا شد.

نظام اعتبارات خرد یکی از راهکارهای مطرح شده به منظور تسریع فرآیند سرمایه‌گذاری و تقویت بنیادهای مالی و پس‌انداز در مناطق محروم و نهایتاً توانمندسازی این جوامع و فقرزدایی در طریق ارتقاء بهره‌وری با تأکید بر بکارگیری روش تحقیق عملی - مشارکتی است. وامهای کوچک، حسابهای پس‌انداز و ارائه انواع خدمات مالی و بانکی این باور را در خانواده‌های کم‌درآمد و فقیر ایجاد می‌کند که با دسترسی به این خدمات درآمد آنها افزایش خواهد یافت و بدین ترتیب آنها می‌توانند در برابر موانع و مشکلات غیر منتظره از خود محافظت کنند و سطح زندگی کنونی خویش را بهبود بخشند و برای تغذیه، مسکن و آموزش فرزندانشان سرمایه‌گذاری نمایند. دستیابی به این شرایط در زمره اصلی‌ترین اهداف برنامه هزاره سوم یعنی ریشه‌کنی فقر مطلق از جوامع بشری است. (۷)

با این اوصاف تأمین منابع مالی خرد برای فقرا و نیازمندان نه تنها صدقه نیست، بلکه روشی برای تأمین و گسترش همان حقوق و خدمات برای خانوارهای کم‌درآمدی است که بسیاری از مردم جهان بطور معمول از آن حقوق برخوردار می‌باشند. با این رویکرد، فقرا نه مشکل، بلکه راه‌حل هستند.

خدمات مالی و بانکی پایه مانند اعتبار، پس‌انداز و بیمه به مردم کم‌درآمد فرصت می‌دهد تا با گرفتن وام و برخورداری از پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، بنیه مالی خود را تقویت کنند. لیکن در این راه همواره با دشواری مواجه بوده‌اند. به عنوان مثال بانکهای تجاری به دلیل ماهیت خود، اغلب گرایشی به تأمین منابع مالی خرد برای مشتریان کوچک ندارند، از طرفی دریافت وام‌های کوچک از بانکهای تجاری متضمن وثایق و تضامین بسیاری است که افراد فقیر و کم‌درآمد از تأمین آن عاجزند. از این‌رو افراد مذکور مجبور به ایجاد روابط مالی غیر رسمی و اخذ مبالغ ربوی از نزول‌خواران در شهرها و روستاها می‌شوند. در این شرایط مؤسسات مالی خرد و بانکهای پس‌انداز، شرکتهای تعاونی، صندوق‌های مالی و بانکهای روستائی در

چارچوب سیاستهای کلان و عمومی جامعه و پشتیبانی دولت‌ها می‌توانند برای این قبیل افراد خدمات مالی خرد را تأمین و با پرداخت وام‌های کوچک فرصت‌های لازم را برای اشتغال، راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک و گسترش آموزش و بهداشت فراهم کنند.

امروزه اعتبارات خرد به عنوان یکی از مؤثرترین راه‌های مقابله با فقر مورد قبول همه کشورها در پنج قاره جهان قرار گرفته است. طبق آمارهای جهانی، برنامه‌های پرداخت اعتبارات خرد تا سال ۱۹۹۷ حدود ۸ میلیون نفر را تحت پوشش قرار داده است^۳ و تا سال ۲۰۰۵ بنا بود حدود ۱۰۰ میلیون خانوار تحت پوشش قرار گیرند و بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل تا سال ۲۰۱۵ تعداد ۱۷۵ میلیون نفر از فقیرترین مردم جهان باید به اعتبارات خرد دسترسی پیدا کنند.^۴

- تعریف

اعتبارات خرد به عنوان راهبردی در توسعه اقتصادی با هدف دسترسی زنان و مردم کم‌درآمد به منابع اعتباری، برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنهاست.

بومن^۵ (۱۹۹۷) در کتاب خود تعریفی از اعتبارات خرد ارائه نموده است که شاید در عین

کوتاهی، گویاترین تعریف برای اعتبارات خرد باشد، این تعریف عبارتست از:

«کوچک، کوتاه، بدون وثیقه» به عبارت دیگر اعتبارات خرد به معنای ارائه وام‌هایی با مبلغ

کم بدون وثیقه به افراد کم درآمد است که این افراد در مدت زمان کوتاهی مبلغ یاد شده را بازپرداخت می‌کنند (عرب‌مازار، فرزین معتمد، ۱۳۸۲). (۸)

در برنامه‌های اعتبارات خرد علاوه بر عرضه و توزیع وام‌های کوچک، پس‌اندازها و

سپرده‌های کوچک نیز وجود دارد به طوری که در قالب برنامه‌های اعتبار - پس‌انداز طراحی می‌گردند.

کلمات «اعتبارات خرد» به دو مفهوم اساسی اشاره می‌کند که ناشی از دیدگاه حاکم بر این

رهیافت است اولین کلمه یعنی اعتبارات اشاره می‌کند به محیط روستایی، «اعتبارات» و عدم

دسترسی بخش وسیعی از روستاییان به منابع رسمی از مشکلات عمده آنها می‌باشد و در

طراحی نظام اعتبارات خرد تلاش می‌شود تا موانع دسترسی خانوارهای فقیر به منابع اعتباری

- همایش مالی اعتبارات خرد، واشنگتن دی، سی - ایالات متحده آمریکا ۳-۴ فوریه ۱۹۹۷

کاهش، و کارایی این بازارها افزایش یابد. دومین کلمه یعنی «خرد» تأکید بر ناکارایی توسعه به شیوه اقتصاددانان کلاسیک دارد. تأکید بر مفهوم «خرد» به مفهوم تجدیدنظر در توصیه‌های اقتصاد بازار در توسعه جوامع روستایی است. فعالیت در مقیاس کوچک و خرد، فعالیت در چارچوب بازارهای محلی با هدف تأمین معیشت خانوارها با حداقل پیوند به اقتصاد ملی و یا اقتصاد بین‌المللی است. شیوه تولید در فعالیت‌های اقتصادی نظام اعتبارات خرد، اغلب بومی و صنعتی است و به همین دلیل مازاد اقتصادی در این برنامه‌ها نسبتاً پایین است. نظام اعتبارات خرد، اغلب در کشورهایی که برنامه‌های توسعه اقتصاد ملی، توانایی ایجاد فرصت‌های شغلی و درآمدزا، برای اکثریت جامعه را دارا نباشند، گسترش بیشتری دارد. (۹)

– مبانی نظری

اعتبارات خرد یکی از مباحث عمده‌ای در اقتصاد نئولیبرال است که پس از تغییرات نظری در تئوریهای اقتصادی و دیدگاه‌های توسعه به عنوان یک محرک اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که با مشکل تورم و بیکاری فزاینده روبرو هستند و توزیع ثروت و درآمد چندان عادلانه نیست، بعنوان کلید حل معما در نظر گرفته شده است. شکست‌های اقتصادی و ناکامی‌ها در کاهش فقر اقتصادی در کشورهای در حال توسعه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ آژانس‌ها و سازمان‌های بزرگ اعطاءکننده وام مثل USAID-UK، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، به طور فزاینده‌ای استفاده از بنگاه‌های خرد در توسعه را بعنوان برنامه محوری سیاست نئولیبرال جهت کاهش فقر اتخاذ نموده‌اند.

بسط و برنامه‌ریزی برای اعتبارات خرد بعنوان مداخله‌گر توسعه، بازارهای جدید را گسترش داده و فرهنگ بازار آزاد را ارتقاء می‌دهد و تضمین‌کننده حداقل مداخله دولت می‌شود. کارفرمایان بنگاه‌هایی را ایجاد می‌کنند که بازارهای محلی را درگیر اقتصاد کلان نموده و آنها را فعال می‌سازد و بعنوان عنصر اساسی کاهش فقر در مناطق روستایی و توسعه نیافته عمل می‌کند. اینها همگی از سیاستهای نئولیبرال اقتصادی بود که بوسیله فریدمن، بوئر، بانک جهانی و دولت‌هایی مثل ایالات متحده و انگلستان جهت تعدیل اقتصادی و اتخاذ سیاستهای نوین در نظر گرفته می‌شد و اعتبارات خرد حاصل این تفکر اقتصادی است (روث، ۱۹۹۷، ۲۵). اگرچه این تفکر همانگونه که دارای نقاط قوت و جذابیت در یک دوره بحرانی بوده، ولی پیامدهای منفی و واکنش‌های انتقادآمیزی را نیز دربر داشته است. (۱۰)

هر چند ارائه اعتبارات به کشاورزان کوچک از اواسط سده نوزدهم میلادی با ایجاد شرکت‌های تعاونی اعتبار از سوی فردریک رافایزن در آلمان آغاز شده و اوایل سده بیستم در

برخی از کشورهای در حال توسعه مانند هندوستان گسترش زیادی یافته است، ولی این جنبش و یا «انقلاب اعتبارات خرد» به طور جدی، با ایجاد «گرامین بانک» یا بانک دهکده در سال ۱۹۸۳ در بنگلادش آغاز شده و به بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای توسعه یافته گسترش پیدا کرده است (نجفی ۱۳۸۲).

در سالهای اخیر استفاده از اعتبارات خرد در بسیاری از کشورهای جهان اعم از توسعه یافته و نیافته بعنوان ابزار مهم برای کاهش فقر تلقی شده است. اولین ویژگی اعتبارات خرد در کاهش فقر از آن جهت دارای اهمیت است که اولاً بطور معمول وام‌های کلان و رسمی در کشورهای در حال توسعه به دلایل مختلف نصیب افراد فقیر نمی‌شود، ثانیاً بدلیل بالا بودن نرخ بهره منابع مالی غیر رسمی (بازار غیر متشکل پول) و قدرت‌های انحصاری، اینگونه اعتبارات نیز در اختیار قشر فقیر جامعه قرار نمی‌گیرد.

فقرا از این جهت فقیرند که مبالغ کوچک برای رونق دادن به فعالیت‌هایشان را در اختیار ندارند و همانطور که آدام اسمیت می‌گوید: اگر شخصی مبلغ کوچک را در بدو امر بدست آورد می‌تواند مبلغ بزرگتری را هم کسب نماید، در واقع اعتبارات خرد همان شرایط بدست آوردن مبالغ اولیه را فراهم می‌سازد. پس اعتبارات خرد می‌تواند فی‌النتیجه نقش مهمی در کاهش فقر داشته باشد.

- ویژگی‌ها

مهمترین ویژگی‌های اعتبارات خرد در جهان عبارتند از:

اولین ویژگی اعتبارات خرد کاهش فقر و توانمندسازی است.

تحقیقاتی که در رابطه با اعتبارات خرد طی سه دهه توسط راثو (۱۹۸۰)، باردهان (۱۹۸۰)، بادوری (۱۹۸۳)، گات و همکاران (۱۹۹۲) در کشورهای در حال توسعه انجام شده و همچنین تحقیقات روث (۱۹۹۷)، مایوکس (۱۹۹۹)، لطیفی (۲۰۰۲) در کشورهای اسیایی، کامرون، بوتسوانا در آفریقای جنوبی و بنگلادش و هند در آسیا و آسیای جنوب شرقی انجام داده‌اند، اعتبارات خرد را بعنوان ابزار مهمی در کاهش فقر و توانمندسازی اقشار کم‌درآمد معرفی نموده‌اند. (۱۱)

دومین ویژگی اعتبارات خرد پرداخت وام بطور مستقیم و بدون دریافت وثیقه به تولیدکنندگان خرد و اقشار کم‌درآمد است. در تحقیقاتی که سورس (۱۹۹۱) در هند انجام داده است، مؤسسات اعتباری خرد اصلی‌ترین رقیب برای جلوگیری از فعالیت بخش مالی غیر

رسمی در روستا بوده است.

بانکی (۱۹۹۳) به بررسی ساختار اعتبارات در مزارع بنگلادش و تأثیر آن بر روی تولید و فوکیو و هارا (۱۹۹۳) به بررسی بازار اعتبارات غیر رسمی در فیلیپین پرداخته است. مطالعات فریمن، اهیو و جبار (۱۹۹۸) در اتیوپی و کنیا به تأثیر مثبت اعتبارات خرد و حذف بهره در تولید اشاره دارد.

چرینر و کولومبت (۲۰۰۱) در آرژانتین وضعیت مؤسسات مالی خرد و مقررات پرداخت وامهای بدون وثیقه را بررسی می‌نمایند.

نتایج حاصله از تحقیقات بعمل آمده اثبات می‌کند که وجود مؤسسات مالی خرد هزینه ریسک برای پرداخت‌کنندگان وام را کم کرده‌اند و علاوه بر آن به کشاورزان کوچک و کم‌درآمد که امکان تهیه وثیقه را نداشته، کمک نموده و از دسترسی نابرابر آنها برای دریافت وام کم‌بهره جلوگیری نموده‌اند.

سومین ویژگی اعتبارات خرد درآمدزایی و ایجاد اشتغال است. در تحقیقاتی که توسط تریپاتی و همکاران (۱۹۹۴) در اوتارپرادش هند، هولم و موسلی (۱۹۹۶) در اندونزی، هند، سری‌لانکا و بولیوی، پیت و خاندر (۱۹۹۸) در بنگلادش، چن و اسنودگراس (۲۰۰۱) در مصر، موننگومری و ویز (۲۰۰۵) انجام شده و همچنین تجربیاتی که در کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین صورت گرفته در رابطه با نقش مثبت وام‌های اعتبارات خرد در بالا بردن میزان تولید و درآمد و همچنین افزایش اشتغال تأکید داشته‌اند. (۱۲)

چهارمین ویژگی اعتبارات خرد توانمندسازی و بهبود استاندارد زندگی است. در برخی مطالعات دسترسی به این اعتبارات حاکی از همبستگی مثبت بین اعتبارات خرد، توانمندسازی انسانی (مهارت‌ها، دانش، توانایی انجام کار، بهداشت مناسب، استقلال و کنترل در تصمیم‌گیری) توانمندسازی اقتصادی (میزان درآمد، امنیت اقتصادی، پس‌اندازها و بدهی‌ها) توانمندسازی اجتماعی (ایجاد گروه‌ها، شبکه‌ها، روابط مبتنی بر اعتماد، دسترسی به نهادهای اجتماعی و برکنار ماندن از خشونت) رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و این تحقیقات توسط مایوکس (۱۹۹۹)، روث (۱۹۹۷) و لطیفی (۲۰۰۲) به اثبات رسیده است. کلیه مطالعات انجام شده حاکی از این است که اعتبارات خرد وضع فقرا (دهکهای پایین جامعه) کشاورزان کوچک و زنان را بهبود بخشیده و دسترسی آنها به وام کم‌بهره و مستقیم را افزایش داده و ضمن اشتغال‌زایی و افزایش درآمد، به توانمندسازی و بهبود استاندارد زندگی برای آنها موفق بوده و دست رباخواران را از زندگی آنها کوتاه کرده است. به همین جهت خانم مارگارت رابینسون از

اعتبارات خرد در اندونزی بنام «انقلاب اعتبارات خرد» که تحول عظیمی در زندگی مردم کم‌درآمد و روستایی ایجاد نموده است یاد می‌نماید. (۱۳)

مطالعاتی که در سالهای اخیر توسط پارگ و پن (۲۰۰۱)، دونگ و ایزومیدا (۲۰۰۲)، کابوسکی و تاونستد (۲۰۰۲)، امین و همکاران (۲۰۰۲)، گرتلر و همکاران (۲۰۰۳)، پیت و همکاران (۲۰۰۳) در کشورهای مختلف آسیایی بویژه بنگلادش، تایلند و اندونزی صورت گرفته و همچنین در کشورهای آمریکای لاتین عموماً دال بر موفقیت برنامه‌های اعتبارات خرد است و رشد درآمد وام‌گیرندگان همیشه بیش از درآمد افراد دیگر بوده است و شرکت‌کنندگان در اعتبارات خرد همواره از وضعیت درآمدی، دارایی و اشتغال بهتری برخوردار شده‌اند. (۱۴)

در ایران هم مطالعاتی پیرامون اعتبارات خرد توسط عرب‌مازار و فرزین معتمد (۲۰۰۳) انجام پذیرفته است که به بررسی نقش بانک کشاورزی در توانمندسازی روستائیان با بهره‌گیری از اعتبارات خرد پرداخته‌اند. در این مطالعه اعتبارات خرد اعطا شده در بانک کشاورزی در چهار سناریو تقسیم‌بندی و سپس این چهار طرح با معیارهای مؤسسه‌های اعتباری خرد در دیگر کشورها مقایسه شد. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که لازم است سازماندهی مشخصی در سطح ملی به منظور انجام فعالیت در زمینه تأمین مالی خرد انجام پذیرد، ضمن اینکه تأمین مالی به شیوه خرد به بانکها منحصر نشود. (۱۵)

نجفی (۲۰۰۳) مطالعه‌ای پیرامون تجربه‌های جهانی و امکانات توسعه تأمین مالی خرد در ایران انجام داده است و تجربه بانک کشاورزی پیرامون «طرح ایران» و حذف وثیقه و جایگزین کردن آن با ضمانت پرداخته است.

اعتبارات خرد، کاهش فقر و فرآیند توسعه

یکی از اهداف اصلی برنامه‌های اعتبارات خرد کاهش فقر و فقرزدایی است به منظور بیان ضرورت جایگاه اعتبارات خرد و کاهش فقر، ابتدا به مفهوم فقر که یک مفهومی نسبی است و بر حسب معیارهای متفاوتی بیان می‌شود اشاره می‌شود.

مونتگومری و ویز (۲۰۰۵) اساساً فقر را به دو نوع دائمی و موقتی تقسیم‌بندی کرده و اعتقاد دارند که اصولاً نمی‌توان از فقیر نوع اول که هنوز نیازهای اساسی و اولیه‌اش را تأمین نکرده انتظار داشت که وامهای کوچکی را دریافت و در جهت امور اشتغال‌زایی بکار برد.

در تقسیم‌بندی دیگری فقر را به دو دسته فقر مطلق و فقر نسبی تقسیم می‌کنند و معتقدند که اعتبارات خرد پاسخگوی فقرای نسبی است که توان کار و تولید را دارند ولی سرمایه کافی

ندارند و فقرای مطلق در زمره گیرندگان اعتبارات خرد قرار نمی‌گیرند و باید به آنها کمک بلاعوض داده شود.

در تقسیم‌بندی دیگری، جنیفر سمبتاد و مانیکو کوهن (۲۰۰۰) گروه‌های درآمدی را نسبت به خط فقر مشخص کرده‌اند (نمودار شماره ۲) در این تقسیم‌بندی فقرا و فقرای نسبی که زیر خط فقر دارند و آسیب‌پذیر غیر فقیر را برای دریافت اعتبارات خرد معرفی می‌نمایند و افراد خیلی فقیر (نیازمند) در شمار گیرندگان اعتبارات خرد قرار نمی‌گیرند. (۱۶)



در بسیاری از کشورها، شرایط زندگی اکثریت فقرا، بی‌رویه رو به وخامت بوده است به گونه‌ای که برخی از صاحب‌نظران از جمله ملور^۶ معتقدند که فقر اصولاً پدیده‌ای روستایی است (بیگز و فارینگتول، ۱۹۹۷) در بسیاری از کشورهای در حال توسعه میزان فقر در مناطق روستایی فراگیرتر از مناطق شهری می‌باشد.

ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و علیرغم تفاوت‌های ماهوی در ساختار اقتصاد ایران با بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فقر در ایران یک پدیده روستایی است.

تحولات سریع توسعه‌ای و جمعیتی و افزایش جمعیت شهرنشین و کاهش جمعیت روستایی از یکطرف و از سوی دیگر اقتصاد وابسته به نفت و توزیع درآمدهای کلان غیر مالیاتی از سوی دولت به شیوه‌ای متمرکز و تحت تأثیر الگوی شهرنشینی اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار در انباشت ثروت و ظهور پدیده فقر به شیوه نوین در ایران بوده است (عمادی ۱۳۸۴). (۱۷)

ابوالفتحی (۱۳۸۵) در بررسی اندازه فقر در ایران آورده است: در سال‌های اخیر اندازه شدت فقر و شتاب نسبی آن در میان خانوارهای شهری و روستایی رو به کاهش نهاده ولی علیرغم روند متفاوت این تغییرات در جامعه شهری و روستایی، شکاف فقر در این دو جامعه روند صعودی داشته و افزایش یافته است. شکاف فقر در استانهای سمنان و تهران حوزه آبخیز حبله‌رود در مقایسه با کل کشور به شرح زیر است. (جدول شماره ۲)(۱۸)

جدول ۲ - برآورد و اندازه خط فقر و شاخص‌های فقر در جامعه شهری و روستایی، ۱۳۸۳
(هزینه خالص سرانه ماهانه خانوار - قیمت جاری - ریال)

شرح	استان سمنان		استان تهران		کل کشور	
	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری
فراوانی نسبی خانوارهای فقیر (درصد)	۸/۵۰	۱۱/۱۱	۹/۱۷	۱۳/۷۷	۲۵/۴۴	۸/۰۳
شدت فقر (درصد)	۲۲/۱۰	۲۴/۰۶	۲۳/۲۳	۲۷/۷۳	۳۰/۱۴	۳۸/۲۹
متوسط درآمد خانوارهای فقیر به متوسط درآمد کل خانوارها (درصد)	۳۲/۳۱	۲۹/۰۳	۲۹/۹۷	۲۶/۰۳	۳۳/۶۷	۱۶/۹۸
شکاف فقر	-۴۹۹۳۴	-۸۵۹۱۲	-۸۱۰۴۰	-۱۷۰۷۸۹	-۹۱۴۵۵	-۱۱۶۱۷۶

منبع: تأملی در اندازه فقر در ایران ۱۳۸۵

در حوزه آبخیز حبله‌رود شدت فقر و شکاف فقر نسبت به کل کشور در خانوارهای شهری بسیار زیاد است که این مسأله سبب تعدی خانوارها به حریم منابع طبیعی و استفاده بی‌رویه از آن جهت امرار معاش می‌باشد بنابراین هرگونه برنامه‌ریزی در جهت احیای منابع طبیعی در این حوزه باید با فقرزدایی شروع شود و گرنه روند گذشته مجدداً تکرار خواهد شد. با توجه به تعاریف گوناگون پیرامون توسعه دانشمندان هر کدام وجهی را مورد توجه قرار داده‌اند به طوری که اقتصاددانان افزایش درآمد سرانه را هدف می‌گیرند و جامعه‌شناسان به تکثیر و تنوع نهادها علاقه نشان می‌دهند و دانشمندان علوم سیاسی به افزایش میزان مشارکت و دگرگونی نهادهای قدرت در جامعه اشاره دارند و روانشناسان به انعطاف‌پذیری ذهنی، همدلی و انگیزه کسب موفقیت توجه نشان می‌دهد. بطور کلی و در یک تعریف توسعه عبارتست از: «تحول وضعیت اقتصادی در اثر بهبود بنیادهای اقتصادی - اجتماعی»

طی دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰ رهیافت کینزی^۷ بر مسائل توسعه در حوزه عمل و نظر سایه افکنده بود با این وجود از دهه ۱۹۷۰ تا به امروز تئوری اقتصادی نئوکلاسیک به میدان آمده است این تئوری متضمن یک تحول ایدئولوژیک بسیار مهم است به طوری که در ۲۰۰۰ ویلکن^۸ می‌گوید هر جاکه سابقاً دخالت دولت در آن معقول و مهم به نظر می‌رسید امروزه نامعقول و بابهنجار محسوب می‌شود. این تحول ایدئولوژیک در مبانی گسترش جهانی فلسفه سیاسی اقتصادی نئولیبرالیسم است که در فرآیند قطعی کالاها و خدمات نقش بازار را بر دیگر بازیگران اولویت می‌دهد. در کنار این دیدگاه‌های مرسوم، یک دیدگاه جایگزین نیز ارائه شده است که قابل به ترکیب عوامل متعدد است منشاء این رهیافت، سازمان‌های غیر دولتی، افراد، مؤسسات وابسته به سازمان ملل و مؤسسات خصوصی است. برخلاف شیوه مرسوم توسعه، رهیافت جایگزین تأکید زیادی بر تناسب فرآیند توسعه و توزیع منافع آن دارد. جدول شماره ۳ جزئیات رهیافت قدیم و جایگزین در باب توسعه را بیان می‌دارد. (۱۹)

جدول ۳- مقایسه دیدگاه جاری و دیدگاه جایگزین در امر توسعه

دیدگاه	دیدگاه جاری	دیدگاه جایگزین
تعریف فقر	وضعیتی است که مردمانی بدان دچارند که پولی ندارند تا غذا بخرند و دیگر نیازهای اساسی خود را تأمین کنند.	وضعیتی است که مردمانی بدان دچارند که توانایی تأمین نیازهای روحی و معنوی خود و خانواده خود را ندارند و نیز درآمد آنها کفاف تأمین نیازهای مادی خانواده را تأمین نمی‌کند.
اهداف توسعه	گذار از اقتصادهای سستی (که از آن به عنوان اقتصاد عقب‌مانده یاد می‌شود) به اقتصادهای صنعتی (که از به عنوان مدرن یاد می‌شود)؛ تولید اضافی؛ و افراد کار خود را برای پول می‌فروشند.	ایجاد وضع مطلوب برای بشریت از طریق جامعه و در همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست‌محیطی و اقتصادی.
فرضیات اصلی	امکان رشد نامحدود در یک نظام بازاری آزاد و گسترده؛ رسیدن اقتصادها به یک نقطه جهش و رونق یافتن به گونه‌ای که همه افراد جامعه از آن منتفع شوند؛ اولویت و تفوق دانش و الگوی توسعه غربی؛ و سیطره و بهره‌برداری از طبیعت.	کارآمدی؛ ارزشمندی طبیعت، تنوع فرهنگی و نظارت جامعه بر مشترکاتی چون زمین، آب، هوا و جنگل؛ توازن فعالیت‌های انسان با طبیعت؛ اتکا به خود به جای اتکا بر بازار یا عوامل بیرونی؛ مشارکت دموکراتیک و نظارت محلی.
معیارها	رشد اقتصادی؛ تولید سرانه ناخالص ملی؛ صنعتی شدن (شامل بخش کشاورزی).	

- Keynes

- Wilkin

فرایند	از بالا به پایین: تکیه بر دانش تخصصی (به ویژه نوع خارجی و غربی آن)؛ سرمایه‌گذاری زیاد در طرح‌های بزرگ؛ فناوری پیشرفته؛ گسترش حوزه خصوصی.	از پایین به بالا: مشارکت همگانی؛ تکیه بر دانش و فناوری متناسب (اغلب محلی)؛ سرمایه‌گذاری کوچک در طرح‌های کوچک؛ محافظت از مشترکات.
--------	--	--

منبع: «کتاب حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی»

در انگاره جدید توسعه سعی بر آن است تا جامعه هدف که فقرا و روستانشیان هستند بتوانند از طریق سازماندهی و تشکل اجتماعی توانمندی بیشتر را در عرصه اقتصادی بدست بیاورند و تأکید بر اعتبارات خرد از دو منظر مورد بازبینی قرار دارد از یک سو یک نهاد مالی - اقتصادی به منظور واداشتن سرمایه‌های اقتصادی است از سوی دیگر یک نهاد اجتماعی به منظور افزایش میزان مشارکت مردم در فرآیند اجتماعی شدن و تقویت ثروت اجتماعی است. آندره شفرد (۱۹۹۸) در جدولی مقایسه‌ای به منظور تسهیل در مقایسه بین دو انگاره مرسوم و جدید برخی از مقایسه‌ها را به شرح زیر فهرست کرده است.

جدول ۴- توسعه از دیدگاه دو انگاره

انگاره قدیم	انگاره جدید
۱ - حصول رشد اقتصادی به هر قیمت	۱ - رشد کیفی، بهبود محیط زیست، عدالت اجتماعی و کمک به صلح
۲ - توزیع مجدد در صورت وجود، توسط دولت	۲ - فرآیند دخالت افراد کنار گذاشته شده در تصمیم‌گیری‌ها
۳ - پذیرش اقتدارگرایی یا تساهل به عنوان هزینه رشد	۳ - توجه به مسایل ناملموس باارزش: آزادی، استقلال و عزت
۴ - یارانه برای فعالیت‌های اقتصادی کوچک توسط دولت	۴ - تواناسازی محیطی برای رشد فعالیت‌ها
۵ - امنیت اجتماعی فراهم شده توسط دولت (و سایر انواع آن)	۵ - توسعه نهاد‌های محلی جهت امنیت
۶ - انتقال فن‌آوری (تکنولوژی) از کشورهای غنی به کشورهای ضعیف	۶ - فن‌آوری محلی با ارزش و دانش بومی توسعه فن‌آوری مشارکتی
۷ - انتقال دارایی‌های باارزش به کشورهای غنی (مانند منابع مربوط به تولید)	۷ - تعیین نهاد‌هایی برای حفاظت از دارایی‌های اجتماعات فقیر
۸ - ارزیابی ملموس و اقتصادی توسعه که دولت تعریف‌کننده آن می‌باشد	۸ - توسعه به عنوان پدیده چندبعدی و اغلب با خصایص ناملموس که مردم تعریف‌کننده آن می‌باشند.
۹ - خصوصی سازی/ملی سازی دارایی‌های عمومی	۹ - تثبیت دارایی‌های عمومی به عنوان (واقعاً) عمومی، و بسط حوزه کالاها به این معنا

۱۰ - ایجاد سازمان‌های قوی و بزرگ برای توسعه با تمرکز روی دولت و سازمان‌های غیر دولتی بزرگ	۱۰ - برنامه‌ریزی نهادی با مراکز متعدد: سازمان‌های مردمی، چارچوب‌های نظارتی
۱۱ - برنامه‌ریزی، اندیشه‌محوری فرآیند توسعه	۱۱ - ارزیابی، اندیشه‌محوری فرآیند توسعه
۱۲ - سازماندهی سلسله مراتبی: برای تحقق طرح‌ها	۱۲ - فراگیری سازماندهی غیر سلسله مراتبی
۱۳ - (توسعه) تقسیم شده به بخش‌های مختلف	۱۳ - (توسعه) فرآیند کلی (کلی‌نگری)
۱۴ - دولت تولیدکننده اصلی، تهیه‌کننده و نظارت‌کننده اصلی	۱۴ - دولت ایجادکننده چارچوب‌های قانونی تواناساز، محمول‌کننده قدرت، مشوق همکاری‌ها و انجمن‌ها

منبع: مقاله «نقش اعتبارات خرد در تسریع فرآیند روستایی»

اعتبارات خرد و توانمندسازی

با شکل‌گیری و طرح راهبرد توسعه از پایین به عنوان راهبردی که در آن اهداف توسعه بر مبنای اهداف مورد نظر مردم تعیین می‌شود به مرور اهمیت و ضرورت ایفای نقش مؤثر مردم در تضمین اهداف و اولویت‌های برنامه‌های توسعه‌ای برای سیاستمداران و مجریان اینگونه برنامه‌ها مشخص گردید و به تبع آن مبحث توانمندسازی گروه‌های مختلف جامعه برای مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف طراحی، اجرا و نظارت بر مبنای توسعه مطرح شد. در تعریف ساده توانمندسازی می‌توان آن را فرآیندی دانست که طی آن افراد، گروه‌ها و جوامع از وضعیت موجود زندگی و شرایط حاکم بر آن آگاهی یافته و برای تغییر شرایط موجود بسمت شرایط مطلوب با شناسایی نیازها و دارایی‌های خود برنامه‌ریزی مناسب، آگاهانه و سازمان یافته انجام می‌دهند.

توانمندسازی در یک تعریف کلی و عام، به معنای بسط و گسترش حق انسان در آزادی عمل است. این تعریف به معنای افزایش میزان اختیار و اقتدار خرد برای انتخاب منابع و اعمال نظر در تصمیماتی است که زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهند وقتی افراد از حق واقعی انتخاب برخوردار باشند تسلط و کنترل بیشتری بر شرایط حاکم بر زندگی خود خواهند داشت حق انتخاب فقرا و محرومان جامعه همواره محدود بوده است و عدم برخورداری از مال و مکنت و نیز عجز و ناتوانی در چانه‌زنی با نهادهای رسمی و غیر رسمی برای اعمال خواسته‌ها و شرایط مورد نظر خود از مهمترین علل آن بشمار می‌آیند.

عمده‌ترین موانع امروز جوامع توسعه نیافته تمرکز شدید دولتی و برنامه‌ریزی از بالا به پایین است راه‌حل بهینه برای رفع این مشکل خوداتکایی است در هر زمینه که افراد جامعه در

تصمیم‌گیری مشارکت دارند میزان تعهد به نگهداشت دستاوردهای موجود بسیار بیشتر از زمینه‌هایی است که تصمیم‌گیریها به روش غیر مشارکتی و دستوری و از بالا به پایین بوده است به عبارت دیگر استفاده از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود در جوامع نه تنها در تضمین ماندگاری و پایداری برنامه مؤثر است بلکه از منظر سرمایه‌گذاری اجتماعی، اتکا به افراد جوامع محلی و توانایی‌های آنان به عنوان اساسی‌ترین سرمایه‌های پایدار به شمار می‌رود.

تاریخچه تحول اعتبارات خرد در ایران

تجربه صدسال اخیر پرداخت وام‌های کوچک به محرومین و روستائیان از سال ۱۲۷۹ تاکنون در قالب نهادهای دولتی، شعبه فلاحتی بانک ملی - بانک کشاورزی پیشه و هنر - صندوق روستایی - صندوق‌های تعاونی - شرکت‌های تعاونی روستایی - بانک کشاورزی و ... را تشکیل داده که در جدول شماره ۵ اسامی، اهداف، مشکلات و موانع نهادهای دولتی پرداخت‌کننده اعتبارات خرد آمده است.

هر یک از موارد فوق به دلیل ضعف ساختاری و عدم دسترسی مردم، مانع از رسیدن به اهداف خرد شده و به مرور زمان تغییر شکل یافته و به شکل دیگری درآمده است در این بررسی ملاحظه می‌شود که تجربه شرکت‌های تعاونی روستایی هم حلال مشکلات نبوده و ایجاد سازمان مرکزی تعاون روستایی هم به رفع مشکل کمک نکرده است زیرا مشکل اساسی همه آنها ساختار یک‌سویه از بالا به پایین و دولتی بودن آنهاست. در جدول شماره ۵ - مشکلات و موانع این نهادها دسته‌بندی شده است.

جدول ۵- اسامی، اهداف، مشکلات و موانع نهادهای دولتی پرداخت‌کننده اعتبارات خرد به اقشار

محروم و روستایی در ایران طی صدسال گذشته

ردیف	نام نهاد دولتی (رسمی)	سال تشکیل	اهداف	مشکلات و موانع
۱	شعبه فلاحی بانک ملی ایران بانک کشاورزی و پیشه هنر	۱۲۷۹ ۱۳۱۲	- کمک به کشاورزان - کوتاه کردن دست سلف‌خران و رباخواران	- نداشتن وثیقه ملکی کشاورزان - پراکندگی نامناسب و عدم دسترسی - گستردگی روستاها و نبود راه‌های ارتباطی - تشریفات تشکیل پرونده و طولانی بودن دریافت وام
۲	صندوق روستایی	۱۳۲۰	- وسعت بخشیدن به عملیات - تسهیل در پرداخت وام - استفاده تعداد بیشتری از کشاورزان	- ضوابط دست‌وپاگیر و دریافت وثیقه - دولتی بودن صندوق، عدم دخالت کشاورزان - عدم شناخت کشاورزان از محاسن صندوق‌ها
۳	صندوق‌های تعاونی	۱۳۲۹	- سرپرستی افراد از کارافتاده، پیران بی‌بضاعت و بی‌سرپرست - جلوگیری از رباخواری - دفاع از حقوق کشاورزان - دادن وام جهت بهبود تولید به روستاییان - بیمه تأمین اجتماعی - خرید و فروش محصولات کشاورزی - خریداری و نگهداری و اجاره ماشین‌آلات کشاورزی	- نبودن قانون خاص تعاونی‌ها - استفاده از ضوابط شرکتهای سهامی که با اصول تعاونی سازگار نبود - تصویب‌نامه صندوق‌ها رنگ و بوی رفاهی داشت نه تولیدی - پرداخت وام از طریق بانک کشاورزی - عدم استقبال گروه‌های مختلف سبب شد وجهی وصول نگردد - الزامی بودن عضویت
۴	شرکت‌های تعاونی روستایی	۱۳۳۴	- تعریف شرکت تعاونی - پیش‌بینی تشکیل اتحادیه - معافیت از حق‌الثبت و تمبر سهام و مالیات بر درآمد - تشکیل شورای تعاون - وزارت‌خانه‌های کار، کشور، کشاورزی موظف به اجرا	- عدم استقبال کشاورزان و روستاییان تا سال ۱۳۴۰ از این تاریخ به بعد بعثت واگذاری زمین توسط دولت به کشاورزان عضو تعاونی تشکیل این تعاونی‌ها شتاب بیشتری گرفت

۵	سازمان مرکزی تعاون روستایی	۱۳۴۲	<ul style="list-style-type: none"> - پیگیری تشکیل تعاونی‌های روستایی - پرداخت وام به زارعین از طریق بانک کشاورزی 	<ul style="list-style-type: none"> - کوچک بودن و فاقد صرفه اقتصادی - بزرگ شدن بدون بهینه‌سازی مدیریت و افزایش بهره‌وری
	اتحادیه شرکتهای تعاونی روستایی	۱۳۴۶	<ul style="list-style-type: none"> - تأمین و توزیع نهادهای کشاورزی - همزمان با فروش اقلام سلطنتی 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم توجه به خواست و ایده اعضا - فقط در روستاهای مشمول فروش زمین ایجاد شده - پس از فروش زمینها کارایی نداشت
	شرکتهای تعاونی اعتبار	۱۳۴۱	<ul style="list-style-type: none"> - تشکیل تعاونیهای دهنده اعتبار 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم رشد لازم برای بزرگ شدن
	ادغام تعاونی‌های کوچک تعاونی‌های زنان	۱۳۵۰ ۱۳۷۴	<ul style="list-style-type: none"> - تهیه و توزیع مواد مصرفی - تشکیل تعاونی چندمنظوره - تشکیل تعاونی برای رفاه 	<ul style="list-style-type: none"> - تک‌محصولی بودن تعاونی‌ها - عدم عضویت و حضور زنان در تعاونی‌ها به دلیل نگرش سنتی مردان
۶	بانک کشاورزی جمهوری اسلامی	۱۳۵۸	<ul style="list-style-type: none"> - دادن وام به روستائیان - پرداخت اعتبار با شرایط آسان - گسترش شعب در مناطق روستایی 	<ul style="list-style-type: none"> - مشکلات خاص پرداخت وام‌های کوچک - پراکندگی روستاها و نبود شعب در تمام روستاها - محرومیت زنان روستایی از وام‌های خرد بانک
	طرح زینب کبری (س)	۱۳۷۳	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش سطح فقر در جامعه روستایی - ایجاد اشتغال مولد در روستا - تزریق روحیه تلاش و کار در روستا - دادن تسهیلات به زنان سرپرست خانوار بدون زمین - حمایت از زنان آسیب‌پذیر 	<ul style="list-style-type: none"> - متفاوت بودن میزان تسهیلات در استانهای مختلف - کم بودن مبلغ تسهیلات برای شروع فعالیت اقتصادی لذا برای مخارج روزانه مصرف شده - عدم پاسخگویی به عده زیادی از زنان سرپرست خانوار - محدودیت تعداد وام‌ها در سال - به ثمر نرسیدن طرح
	طرح ایران	۱۳۷۸	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی - تسهیلات ضمانتی تا سقف ۵۰ میلیون ریال بدون وثیقه 	<ul style="list-style-type: none"> - اهداف طرح در اجرا لحاظ نشده - خیلی از موارد طرح نادیده گرفته شد - بیشتر پس‌انداز زنان شهری را جمع‌آوری نمود نه زنان روستایی
	طرح اشتغال زندانیان آزاد شده	۱۳۸۰	<ul style="list-style-type: none"> - جهت تأمین سرمایه اشتغال زندانیان آزاد شده 	
	تسهیلات اشتغال‌زایی	۱۳۸۱	<ul style="list-style-type: none"> - تأمین سرمایه جهت اشتغال افراد بیکار 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم شناخت موضوع توسط ذینفعان - نداشتن پروژه جهت دریافت تسهیلات
۷	سازمان بهزیستی (روستا بانک)	۱۳۶۷	<ul style="list-style-type: none"> - وام‌دهی به زنان روستایی تحت پوشش 	<ul style="list-style-type: none"> - گرفتن ضمانت (چک یا سفته) - دریافت وام بر اساس حق تقدم ثبت‌نام نه اولویت نیاز - عدم توسعه از پایلوت در یک استان به سایر استانها

منبع: جدول با استفاده از منابع تحقیق تهیه شده است. (۲۸)

اعتبارات خرد و زنان روستایی

ضرورت تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد برای زنان روستایی - جهت مسئولیت سنگین آنان در مناطق محروم برای حمایت اقتصادی از خانواده‌های خود می‌باشد برای مثال با افزایش مشارکت زنان در نیروی کار که عمدتاً در بخش خوداشتغالی و غیر رسمی بوده است در جستجوی جبران کاهش درآمدهای واقعی خانواده بوده‌اند از طرفی زنان روستایی بطور معمول در فعالیت روزانه خود از محیط زیست حفاظت می‌کنند و یا زنان جنگل‌نشین و ساکنان اطراف مراتع با شناخت تجربی و سنتی خود اقدام به کارهایی همچون بذرپاشی، کودپاشی، بوته‌کاری، جمع‌آوری بذرها و گیاهان مرتعی و شناسایی گیاهان غیر می‌نمایند اگر آنان به لحاظ اقتصادی مشکل داشته باشند میزان بهره‌برداری و برداشت آنان از محیط زیست و منابع طبیعی افزایش پیدا می‌کند بنابراین با توجه به نقش اقتصادی زنان در اینگونه مناطق ضرورت توجه به توانمندسازی، ایجاد درآمد و تجهیز مالی آنان بیشتر احساس می‌گردد همچنین زنان این مسئولیت‌های مضاعف را با دسترسی کمتر به منابع تولیدی، مهارت‌های بازاریابی و آموزش حرفه‌ای پایین‌تر در مقایسه با مردان انجام می‌دهند این شرایط زمانی تشدید می‌شود که مردان بیشتری در جستجوی شغل به نواحی شهری مهاجرت می‌کنند و زنان در تمامی نواحی در حال توسعه و محروم به طور روزافزون سرپرستی خانوارها را به عهده می‌گیرند در چنین خانوارهایی زنان تصمیم‌گیرندگان اصلی می‌باشند از این رو اعتبارات برای آنها اهمیت حیاتی دارد.

اگرچه زنان روستایی بالقوه دارای پتانسیل بالایی برای ارتقاء درآمد خانواده بالطبع روستا می‌باشند، لیکن شرایط سخت کار کشاورزی، محدودیت تحرک فیزیکی زنان جهت یافتن شغل و در اولویت قرار دادن مردان در اعطاء شغل رسمی به جهت حاکمیت فرهنگ سرپرستی مرد، سبب در حاشیه قرار گرفتن آنها شده است علاوه بر این عدم عضویت زنان در تعاونی‌های تولیدی و کشاورزی واجتماعی که پیامد بی‌سوادی و یا کم‌سوادی آنان است. دسترسی زنان را به مجاری اطلاعاتی در خصوص استفاده از تسهیلات مالی مشکل می‌سازد.

به عبارت دیگر، زنان قربانی تبعیضات و نابرابری‌های موجود در عدم دسترسی به اعتبار، توزیع ثروت و درآمد می‌باشند.

لذا ضرورت تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی به دلیل دسترسی مناسب به تسهیلات اعتباری به منظور نجات آنها از چرخه فقر می‌باشد بنابراین اهداف برنامه اعتبارات خرد برای زنان روستایی عبارتست از:

- الف- افزایش ضریب دسترسی زنان روستایی کم‌درآمد به تسهیلات اعتباری
- ب- توجه و تمرکز به گروه‌های کم‌درآمد زنان روستایی
- ج- افزایش سطح درآمد با اجرای پروژه‌های کوچک
- د- توانمندسازی زنان روستایی در برخورداری از مهارت شغلی مورد نیاز
- ه- تواناسازی آنها در انجام کار گروهی و فعالیت مشارکتی
- و- تجهیز پس‌اندازهای غیر مولد آنان به سرمایه‌های مولد و کارآمد
- ز- برنامه‌ریزی جهت اجرای پروژه‌هایی که مبتنی بر ظرفیت و امکانات و شرایط منطقه باشد
- ک- شکست چرخه فقر و نجات خانوار روستایی
- ل- توسعه اشتغال و تثبیت مشاغل دارای بحران مالی

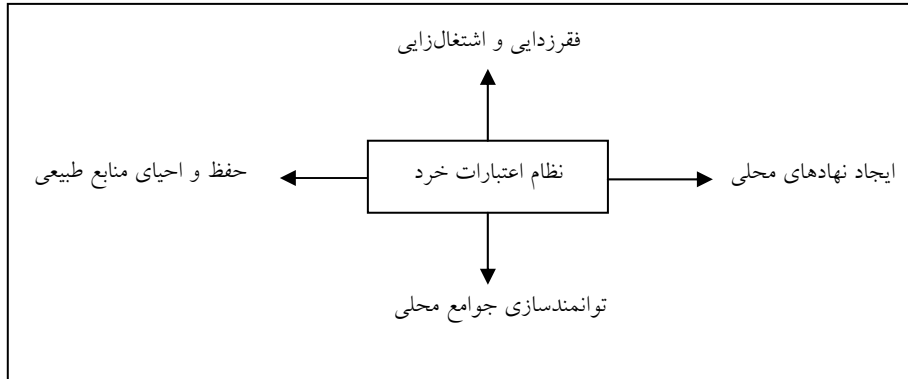
نظام اعتبارات خرد و مدیریت مشارکتی منابع طبیعی

نظام اعتبارات خرد از شیوه‌ای جامع‌نگر و یکپارچه بهره می‌گیرد اجرای این نظام مالی در نواحی خشک و بیابانی با مشارکت مردم جوامع محلی برای احیاء، بهره‌برداری منابع طبیعی بکار می‌رود و همزمان نیز به تنوع گیاهی و جانوری ارتقاء می‌بخشد روش اجرایی این نظام بر پایه مدیریت مشارکتی منابع طبیعی تجدید شونده با رفع فقر و درآمدزایی است.

اصول توانمندسازی برای مشارکت جوامع محلی بکار می‌رود این اصول شامل مسائلی نظیر تمرکززدایی در تصمیم‌گیری، کنترل و مالکیت سرمایه‌های طبیعی و مالی لازم برای امرار معاش پایدار جوامع روستایی می‌باشد شیوه اجرایی این نظام و برابری جنسیت را بهبود می‌بخشد تا حضور، منافع، نیازها و اولویت‌های زنان، مردان بویژه جوانان را در تمام سطوح اجرای این نظام را تضمین می‌نماید توانمندسازی زنان، افراد فقیر و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه باعث افزایش ظرفیت و اعتماد آنها شده تا بتوانند در راستای تأمین منافع خود بر سیاستها و برنامه‌ها تأثیر بگذارند در نتیجه هدف نهایی ایجاد سامانه اجتماعی و سازمانی است که مردم را برای مشارکت در فرآیند توسعه توانمند می‌سازد. با محول نمودن مسئولیت‌های مدیریت منابع به سطوح عامه مردم، آنها هم حق مالکیت و مسئولیت مدیریت بر منابع لازم برای امرار معاش بهتر خود خواهند داشت.

نظام اعتبارات خرد مراتع بیابانی شده و منابع طبیعی تهدید شده را احیاء و منفعت مردم محلی از طریق فقرزدایی و اشتغال‌زایی را تأمین می‌نماید نکته جالب توجه این است که مردم

محلی توانمند شده نهادهای غیر دولتی را بوجود آورده و اداره می‌کنند.



نمودار ۳ - مدل توسعه پایدار و یکپارچه در سطح حوزه آبخیزها

برنامه‌ریزی مشارکتی

رهیافتی تکثرگرا برای اداره منابع طبیعی توسط جوامع محلی و بهره‌بردار در نقش‌های مختلف با هدف احیاء و بهره‌برداری پایدار منابع طبیعی و تسهیم عادلانه مسئولیت‌ها و منافع حاصل از آن است.

بررسی‌های انجام شده در تجارب جهانی نشان می‌دهد که مدیریت مشارکتی از طریق برنامه‌ریزی مشارکتی و طی مراحل مختلف انجام‌پذیر است که به فراخور شرایط محیطی و نوع جوامع هدف با یکدیگر متفاوت می‌باشند ولی در عین حال بررسی‌ها نشان‌دهنده آن است که اغلب برنامه‌های تنظیم شده مراحل مشترکی را نیز در این فرآیند طی می‌نمایند بنابراین با فرض قبول تفاوت‌های فرهنگی میان اقوام و ملل، الگوهای عملی در این خصوص را می‌توان به صورت زیر تشریح نمود.

در مرحله اول: نشست‌ها و جلساتی با رهبران محلی و مأموران دولتی فعال در جامعه محلی و حساس نمودن آنها نسبت به اهمیت توسعه محلی و توانمندی جامعه محلی است.

مرحله دوم: برگزاری جلسات عمومی با اعضاء و اجتماعات و آگاه نمودن آنها نسبت به

اهمیت موضوع

طی این جلسات تسهیلگران سازماندهی گروه‌های اجتماعی را شروع می‌نمایند و در

نهایت با حضور رهبران محلی و مأموران دولتی محلی گروه‌های کاری شکل می‌گیرند.

از این مرحله به بعد آموزش رهبران محلی و محرکان توسعه اجتماعی شروع می‌شود

بخشی از فعالیت‌های توانمندسازی با شناسایی و اولویت‌بندی مسائل و در نتیجه اولویت‌بندی اهداف برای دستیابی به راه‌حل‌های مناسب جهت رفع مسایل شناسایی شده انجام می‌گیرد در ادامه تدوین برنامه‌های اولویت‌دار مبتنی بر مشارکت اجتماعات محلی صورت گرفته و تلاش می‌شود تا رهبران محلی در جهت ارائه پیشنهادهای عملی و اجرایی هدایت شوند برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های اجرا شده در مرحله بعد مذاکرات با هر فرد یا سازمانی که بتواند به نحوی از این پروژه‌ها حمایت نموده و اجرای آنها را تسهیل نماید شروع شده تا در نهایت منابع فیزیکی و مالی خرد اعضاء جامعه محلی کار در قالب گروه‌های ارزیابی و گزارش‌نویسی سازماندهی شده و از مراحل اولیه اجرای برنامه تا پایان آن این فعالیت‌ها را انجام دهند با اجرای این برنامه‌ها زمینه‌های تازه‌تر برای تعریف پروژه‌های اجتماعی دیگر فراهم شده و چرخه بسیج برای توانمندسازی تداوم می‌یابد.

عناصر کلیدی در برنامه‌ریزی مشارکتی

درسها و تجربیات باارزشی در طول اجرای پروژه‌های مشارکتی کسب شده که این درس‌ها در بهبود برنامه‌ریزی و اجرا در آینده نقش مفیدی داشته‌اند این عناصر و تجارب عبارتند از:

- ۱ - تعاملات منظم و مناسب برای اعتمادسازی در سطح جوامع محلی و اجرای فعالیت‌های مدیریت منابع طبیعی به شکل مشارکتی ضروری است اگر افراد به درستی توجیه شوند از فعالیت‌های توسعه‌ای دولت حمایت خواهند کرد
- ۲ - هر برنامه موفق احیای منابع طبیعی و مراتع به مشارکت واقعی مردم بستگی دارد نه فقط مشارکت محدود در اجرای پروژه‌ها
- ۳ - ارتقاء مهارت بین کارکنان دولت به منظور توانمندسازی جوامع محلی در مدیریت پایدار منابع و توسعه جوامع امری ضروری است
- ۴ - برای اجرای موفق برنامه، اطلاعات پایه و برنامه‌های و ارزیابی از ابتدای اجرای برنامه مورد نیاز است
- ۵ - بهتر است فعالیت‌های توانمندسازی جوامع در سطح محلی توسط سازمانهای غیر دولتی (NGOs) که توسط ذینفعان جوامع محلی بوجود آمده انجام پذیرد.
- ۶ - آموزش‌های منظم به کارکنان پروژه، ظرفیت و توان اجرایی آنها را افزایش خواهد داد
- ۷ - مطالعات پایه که به شیوه مشارکتی و با حضور مؤثر کارشناسان محلی و جوامع محلی

صورت می‌گیرد نتیجه‌ای واقعی‌تر و منطقی‌تر خواهد داشت

۸- نشستهای منظم تیم راهبردی و تیم میدانی برای بررسی پیشرفت پروژه و فراهم

آوردن دستورالعمل‌های جدید مورد نیاز است

۹- نقش تسهیل‌کنندگی تیم تحقیق بواسطه برنامه‌ریزی مشارکتی بیرونی مانند

ظرفیت‌سازی و تجزیه و تحلیل فنی برای مذاکره میان گروه‌های جوامع محلی و ذینفعان

ضروری خواهد بود

ساختار راهبردی مدیریت مشارکتی منابع طبیعی

ساختار راهبردی مدیریت مشارکتی ساختار جدیدی است که توسط استفن آر تیلور در

سال ۲۰۰۶ برای مدیریت منابع طبیعی (آب و خاک) پیشنهاد شده است در این ساختار که بر

اساس روش تحقیق - عملیاتی طراحی شده تیم کاری و مردم محلی از طریق یادگیری

مشارکتی و ایجاد تغییرات بطورگروهی برای دستیابی به معیشت پایدار تلاش می‌کنند و در

فرآیند این تغییرات نهادهای محلی توسط مردم توانمند شده برای کاهش فقر شکل می‌گیرند.

در سطح دوم این ساختار تجزیه و تحلیل اجتماعی (بیرونی) و تجزیه و تحلیل داخلی،

چگونگی انجام کار فرا گرفته می‌شود در تجزیه و تحلیل بیرونی توجه به زنان و محرومیت آنها

و چگونگی نحوه دخالت آنها در فرآیند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در مدیریت راهبردی

مشخص می‌گردد و در تجزیه و تحلیل داخلی ضمن شناسایی تاریخچه مکانی، سایت‌ها

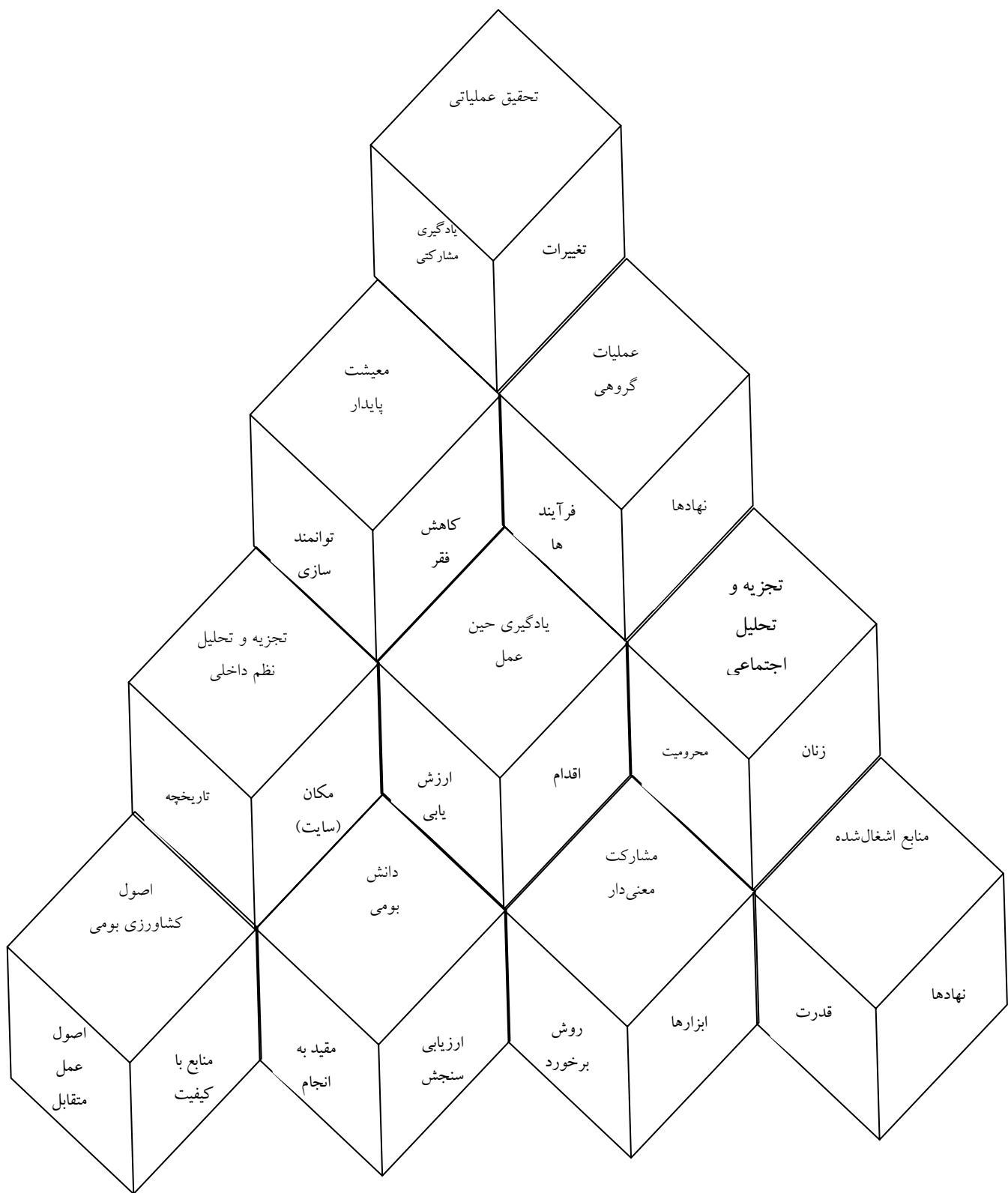
انتخاب اقدام عملی و ارزشیابی توسط تیم کاری بصورت توأم انجام می‌پذیرد.

در سطح سوم این ساختار دانش بومی، اصول کشاورزی محلی و منابع اشتغال شده

تحلیل رفته توسط تیم کاری با مشارکت مردم محلی شناسایی و سپس از طریق نهادهای

قدرتمند محلی و ابزار و روش‌های مناسب با رعایت احترام و اصول عمل متقال در جهت

حفظ منابع طبیعی با کیفیت، بوسیله سنجش و ارزیابی امکان‌پذیر است. (۲۰)



نتیجه گیری

پیامدهای نامطلوب نابرابری درآمد و فقر چنان متنوع، گسترده، تأثیرگذار و دربرگیرنده غالب بخش‌های عملکردی جامعه است که در حالت حاد و بحرانی، اساس نظام جامعه و دستگاه‌های حکومتی - اجرایی را مورد هجوم قرار می‌دهد ثروت و فقر به عنوان مفاهیم اقتصادی منعکس‌کننده بینش‌های اجرایی و توانایی مردم در جمع‌آوری ثروت مادی و مالکیت است، لذا سطح موجود فقر و فقر مطلق میلیونها فقیر به معنی دسترسی نابرابر آنها به منابع مالی و ناتوانی آنها در یافتن راه‌حلی برای موقعیت فعلی خود می‌باشد.

بی‌تردید الگوهای رشد و توسعه کشورها مستقل از ساختارهای موجود در جوامع، منجر به موفقیت نمی‌شود اما با ملحوظ داشتن مؤلفه‌ها و شاخص‌های اجتماعی جامع در این الگوها موفقیت تضمین می‌گردد. در غیر اینصورت رشد و توسعه برای افراد برخوردار و مرفه جوامع رقم خورده و باعث تشدید شکاف طبقاتی خواهد شد.

از آنجا که تعداد افراد فقیر (فقرای نسبی) کشور در شهر و روستا جمعاً $12/4$ میلیون نفر می‌باشد و در حوزه آبخیز حبله‌رود استان تهران و سمنان تعداد فقرای نسبی شهری و روستایی جمعاً 830 هزار نفر می‌باشد لازم است برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشور در حوزه منابع طبیعی جهت ریشه‌کن کردن فقر و ایجاد اشتغال برنامه‌ریزی نمایند زیرا مبارزه با فقر نه تنها یک وظیفه ملی در جهت حفظ توسعه پایدار و محیط زیست است بلکه فقر به عنوان عامل تهدیدکننده منابع طبیعی و محیط زیست منطقه‌ای و بین‌المللی از تعهدات دولتها در اجلاس‌های بین‌المللی است.

اعتبارات خرد به عنوان یک تجربه موفق بین‌المللی که چند دهه از فعالیت چشمگیر آن می‌گذرد و امروزه توانسته بعنوان الگوی رشد و توسعه برای مناطق محروم و فقیر مطرح گردد به همین دلیل پروفیسور یونس پایه‌گذار اعتبارات خرد در بنگلادش در سال 2006 موفق به دریافت جایزه صلح نوبل گردید.

تجربه موفق اعتبارات خرد در کشور نیز بر این امر صحنه می‌گذارد که راه چاره توسعه و حفظ منابع طبیعی فقط از طریق اعتبارات خرد امکان‌پذیر است.

یک مدل اعتبارات خرد برای همه موقعیت‌ها مناسب نیست. کشورهای مختلف به ترکیب‌های متفاوتی از ارائه‌دهندگان خدمات مالی احتیاج دارند برخی مدل‌های تشکیلاتی ممکن است برای مناطق شهری و برخی مدلها برای مناطق روستایی بسیار خوب باشند. برخی مدل‌های ممکن است بر روی افراد خیلی فقیر و برخی دیگر بر روی ارتقای نیازهای افراد

کمتر فقیر متمرکز شوند هیچ روشی ذاتاً بهتر یا ارزشمند از روش دیگر نیست.

مؤسسات با زیرساخت‌های بزرگ، مانند بانک‌های تجاری، بانک‌های دارای مالکیت دولتی و تعاونی‌های مالی می‌توانند نقش مهمی را در ارتقای مقیاس خدمات مالی قابل ارائه به فقرا ایفا کنند از آن جمله می‌توان در ساختار یک مؤسسه مالی جاافتاده، تأمین مالی خرد را به مثابه یک واحد تجاری استراتژیک ایجاد کرد و بسیاری از مردم محروم پیش از آنکه بتوانند به صورتی کارآمد از تسهیلات مالی بخش تجاری استفاده کنند محتاج کمک‌های مادی و فنی برای ایجاد تشکیلات سازمانی خود هستند. ابزارهایی مانند ایجاد صندوق توسعه تأمین مالی خرد، صندوق ریسک پورتهوی تأمین مالی خرد و صندوق ایجاد ظرفیت می‌توانند در ترکیب‌های متفاوت برای ترویج یک رشته فعالیت تأمین مالی خرد بطور منسجم مورد استفاده قرار گیرند.

سازمانهای غیر دولتی اعتباری خرد نقش مهمی در تجربه مدل‌های جدید، انجام پژوهش و توسعه و اثبات اینکه تأمین مالی خرد بصورتی موفقیت‌آمیز و پایدار می‌تواند به مشتریان فقیر دسترسی داشته باشد، ایفا کرده‌اند. با وجود این، سازمانهای غیر دولتی نه به صورت سیستماتیک به مقیاس عملکردی انبوه رسیده‌اند و نه بی‌نیاز و مستقل از وجوه اهدایی کمک‌دهندگان شده‌اند؛ اگرچه استثناهای مهمی نیز در آن وجود دارد. برای دسترسی به تعداد زیادی از مردم، تأمین مالی خرد ناگزیر به شکل سازمانهایی درمی‌آید که دارای مجوز مقامات مالی کشور و تحت نظارت آنها می‌باشد. یک مؤسسه دارای مجوز می‌تواند ارائه‌دهنده خدمات پس‌انداز به مشتریان خود بوده و سرمایه سهام خود را از طریق سپرده‌ها چند برابر کند زیرا تأمین مالی خرد متفاوت از بانکداری متداول است. قوانین و ضوابط و مقررات بانکداری در بسیاری از کشورها سرانجام نیازمند برخی اصلاحات و تعدیلات جهت پرداختن به تأمین مالی خرد می‌باشد. امدادسانی، اثربخشی هزینه، نفوذ و پایداری چهار هدف مهم قابل بررسی در طراحی یک مؤسسه تأمین مالی خرد است. در آغاز همه این اهداف بطور همزمان قابل دسترسی نیستند. شواهد تاریخی مربوط به مؤسسات تأمین مالی خرد موفق نشان می‌دهند که این اهداف در طول زمان و به شکلی متوالی محقق می‌شوند؛ مهم آن است که تقدم و اولویت هر هدف ممکن و شفاف باشد. خوداتکایی مالی یک امر بسیار مشکل برای مؤسسات تأمین مالی خردی است که در شرایط اقتصادی - اجتماعی سخت در جوامع یا در حالتی دیگر، این مؤسسات بزرگ می‌توانند تأمین مالی خرد را از طریق مؤسسات کوچکتر وابسته به خود انجام دهند که برای این منظور تجهیز شده و مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

منابع

۱. ابوالفتحی، ل. (۱۳۸۵). «تأملی در موضوع و اندازه فقر در ایران» معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک
۲. ازکیا، م. ، ایمانی، ع. (۱۳۸۴)، «نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی و ایجاد اشتغال زندانیان آزاد شده، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر، بانک کشاورزی، تهران
۳. اهداف توسعه هزاره و اعتبارات خرد، سازمان ملل، ۲۰۰۵، www.un.org.ir
۴. بخشوده، م. ، سلامی، ح. (۱۳۸۴). «نقش بانک کشاورزی در کاهش فقر با تأکید بر اعتبارات خرد»، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر بانک کشاورزی، تهران
۵. بیانیه اجلاس ژوهانسبورگ ۲۰۰۲، اجلاس جهانی توسعه پایدار ۱۰ + RIO
۶. پیام سبز، ۱۳۸۱، خبرنامه داخلی جمعیت حمایت از منابع طبیعی و محیط زیست
۷. توماس، کارولین، ۱۳۸۲، حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی، ترجمه مرتضی بحرانی، پژوهشکده مطالعات، تهران
۸. چابکرو، غ. ، مختاری، د. ، عبدشاهی، ع. (۱۳۸۴). «بررسی اعتبارات خرد بر ارزش افزوده بخش کشاورزی در ایران»، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر، بانک کشاورزی، تهران
۹. رحیمی، ع. (۱۳۸۰). «مروری بر ویژگی‌های اعتبارات خرد»، مجموعه مقالات اعتبارات خرد زنان روستایی جلد دوم، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، وزارت جهاد کشاورزی - دفتر امور زنان با همکاری دانشگاه الزهراء، بانک کشاورزی، تهران
۱۰. عمادی، م. (۱۳۸۴). «نقش اعتبارات خرد در تسریع فرآیند توسعه روستایی: مقایسه دو دیدگاه»، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر، بانک کشاورزی، تهران
۱۱. دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۴، «طراحی شاخص‌های نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ - اصلاح ساختار اقتصادی و خصوصی‌سازی»، معاونت بررسی و نظارت
۱۲. حیدری، ط. ، سادات بلالی، ا.، سادات بلالی، ل. (۱۳۸۱ و ۱۳۸۴). گزارش صندوق‌های اعتبارات خرد دفتر امور زنان روستایی، وزارت جهاد کشاورزی

۱۳. Jennefer Sebstad and Monique Cohen, ۲۰۰۰, "Microfinance, Risk Management, and Poverty"

14. Marguerite Robinson, 2001, *The Microfinance Revolution*, Chapter 1 and 2. Washington, DC, World Bank
15. Stephen R. Tyler, 2006 "Communities, Livelihoods and Natural Resources' Action Research and Policy Change in Asia
16. Accion International: <http://www.aceiong.org>
17. Microcredit Summit;
<http://www.microcreditsummit.org/declaration.htm>
18. Microfinance Gateway: <http://www.microfinanceGateway.org>
19. USAID Microfinance: <http://www.microlinks.org>

پی‌نوشت‌ها:

۱. پیام سبز، ۱۳۸۱، خبرنامه داخلی جمعیت حمایت از منابع طبیعی و محیط زیست
۲. بیانیه اجلاس ژوهانسبورگ ۲۰۰۲، اجلاس جهانی توسعه پایدار ۱۰ + RIO
۳. اهداف توسعه هزاره و اعتبارات خرد، سازمان ملل، ۲۰۰۵، www.un.org.ir
۴. **Marguerite Robinson, ۲۰۰۱, *The Microfinance Revolution*, Chapter ۱ and ۲. Washington, DC, World Bank**
۵. دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۴، «طراحی شاخص‌های نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ - اصلاح ساختار اقتصادی و خصوصی‌سازی»، معاونت بررسی و نظارت
۶. همان منبع ۲
۷. چابکرو، غلامرضا و داریوش مختاری و عباس عبدشاهی، ۱۳۸۴، «بررسی اعتبارات خرد بر ارزش افزوده بخش کشاورزی در ایران»، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر، بانک کشاورزی، تهران
۸. رحیمی، عباس، ۱۳۸۰، «مروری بر ویژگی‌های اعتبارات خرد»، مجموعه مقالات اعتبارات خرد زنان روستایی جلد دوم، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، وزارت جهاد کشاورزی - دفتر امور زنان با همکاری دانشگاه الزهراء، بانک کشاورزی، تهران
۹. ازکیا، مصطفی و علی ایمانی، ۱۳۸۴، «نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی و ایجاد اشتغال زندانیان آزاد شده»، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر، بانک کشاورزی، تهران
۱۰. بخشوده، محمد و حبیب‌اله، سلامی، ۱۳۸۴، «نقش بانک کشاورزی در کاهش فقر با تأکید بر اعتبارات خرد»، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر بانک کشاورزی، تهران
۱۱. همان منبع ۸
۱۲. همان منبع ۱۱
۱۳. همان منبع ۱۱
۱۴. همان منبع ۱۱
۱۵. **Jennefer Sebstad and Monique Cohen, ۲۰۰۰, "*Microfinance, Risk Management, and Poverty*"**
۱۶. عمادی، محمدحسین، ۱۳۸۴، «نقش اعتبارات خرد در تسریع فرآیند توسعه روستایی:

- مقایسه دو دیدگاه»، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر، بانک کشاورزی، تهران
۱۷. ابوالفتحی، لیلا، ۱۳۸۵ «تأملی در موضوع و اندازه فقر در ایران» معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک
۱۸. توماس، کارولین، ۱۳۸۲، *حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی*، ترجمه مرتضی بحرانی، پژوهشکده مطالعات، تهران

۱۹. Stephen R. Tyler, ۲۰۰۶ "Communities, Livelihoods and Natural Resources' Action Research and Policy Change in Asia